

نه بیمه، نه سختی کار، نه نظارت

اما چالش‌های خانواده صنعتگر یزدانی و کلانگین تراشان به این موضوع ختم نمی‌شود و عمق و ابعاد گسترده‌تری دارد؛ به حدی که در بیمه حتی ردیف شغلی برایش تعریف نشده است.

غلامرضا ادامه می‌دهد: از آنجا که برای تأمین اجتماعی صرفه ندارد، در سازمانش برای حرفه ماردیف شغلی تعریف نکرده است؛ در نتیجه از یک سو ما خودمان جزوقالی بافان بیمه شده ایم و امکان بیمه برای کارگران هم وجود ندارد (از این رو ناچاریم به جای اشتغال نیرو در کارگاه، برون سپاری کنیم) و از طرفی با وجود آسیب‌ها و بیماری‌هایی که این حرفه برای تراشکاران ایجاد می‌کند، سختی کار به آن تعلق نمی‌گیرد. البته اینکه شاغلان این حرفه در استان و کشور، برای حقوقشان پیگیری نمی‌کنند و اصولاً صنفی نداریم در این وضعیت بی‌تأثیر نیست. وقتی حمایتی صورت نمی‌گیرد، کسی هم انگیزه ندارد که مجوز بگیرد و رسمی کار کند. معضل بعدی، ابزارهای کار است که عمدتاً وارداتی و وابسته به دلار هستند و هیچ نهادی نظارت نمی‌کند که با قیمت استاندارد عرضه شوند. ما بعد از تعطیلی آموزشگاه و بخش تحقیق و توسعه، روی تولید متمرکز شدیم ولی همان هم با گرانی فزاینده ابزار طی ۱۰ سال اخیر، سخت پیش می‌شود. برای اولین بار در کشور به مهندسی معکوس و ساخت یا ارتقای دستگاه‌های نیمه اتومات روی آورده ایم و در این زمینه تسهیلگری می‌کنیم ولی از همین کار هم حمایت نمی‌شود، با اینکه چند میلیارد سرمایه ثابت و هزینه‌های بازاریابی و... دارد و تولید انبوه آن، صنعت تراشکاری سنگ زینتی را متحول می‌کند.

نجات تراشکاری در گرو صنعتی شدن

این طور که غلامرضا یزدانی می‌گوید، در حال حاضر بیش از هشتاد درصد کارگاه‌های فعال در تراشکاری و فروش سنگ، سنتی کار می‌کنند که علاوه بر زمان بر بودن، هزینه‌های سنگین دارد و به دلیل عدم آشنایی اصولی با بهسازی، بازاریابی و فروش، توان رقابت هم ندارند؛ در نتیجه فعالان سنتی یکی پس از دیگری، ناچار به ترک شغل می‌شوند؛ در حالی که اگر صنعتی شوند، با زده‌های خیلی متفاوتی خواهند داشت؛ به ازای هر دستگاه و هر کارگر، روزانه بیش از هزار نگین می‌توان تولید کرد (در حالت دستی، حداکثر ۱۰ تا ۱۵ نگین). نمونه آن چین است که در این کشور، چون تولید صنعتی دارد، بهای تمام شده سنگ‌ها کمتر (تا بیش از ده برابر ارزان‌تر) اما مشتری و فروش آن بیشتر است.

او ادامه می‌دهد: بیست سال است برای صنعتی شدن تراشکاری پیگیر هستیم و خودمان هم انجام می‌دهیم ولی در سطح انبوه نتیجه‌ای نداشته‌ایم. سازمان صنایع دستی می‌گوید ما صرفاً کار دست را قبول داریم؛ غافل از اینکه منظور از صنعتی شدن این نیست که همه کارها مکانیزه صورت بگیرد بلکه فقط حدود ۱۰ درصد کار یعنی تراش را ماشین انجام می‌دهد و طراحی و خلاقیت همچنان با نیروی انسانی خواهد بود؛ بنا بر این صنعتی شدن، نه تنها این حرفه سنتی را به عنوان یکی از صنایع دستی کشور نابود نمی‌کند، بلکه سبب حفظ و رشد و پیشرفت این رشته و ایجاد انگیزه برای ورود نسل جدید به آن هم می‌شود.

پیوند علم و صنعت

تقریباً هم‌زمان باراه اندازی آموزشگاه، خانواده یزدانی وارد حوزه تحقیق و توسعه هم شد؛ مسیری که هرچند به دلیل مشکلات مالی به تدریج کم‌رنگ شد، دستاوردهای ارزشمندی برای صنعت گوهر تراشی به همراه داشت. غلامرضا یزدانی می‌گوید تحصیلاتش در رشته کنترل سیستم باعث شده در به روزرسانی تجهیزات، سیستم‌های رنگ و حتی بازاریابی و شبکه‌سازی نقش مؤثری داشته باشد.

او توضیح می‌دهد: تلاش کردیم بخش سنتی و دستی کار را به سمت تولید حرفه‌ای و صنعتی ببریم تا هم با زده‌های بیشتر شود و هم امکان رقابت در بازارهای جهانی فراهم باشد.

به همین منظور، دو پروپوزال در زمینه بهسازی و تولید صنعتی به سازمان امیدرو (سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران) ارائه کرده‌اند.

یزدانی همچنین از ارائه مقاله‌ای درباره بهسازی سنگ‌های قیمتی در دانشگاه فردوسی مشهد می‌گوید؛ مقاله‌ای که سال ۱۴۰۰ میان ده‌ها اثر تخصصی، رتبه برتر را کسب کرده است. به گفته او، حاصل سال‌ها تجربه و پژوهش، رسیدن به فرمول‌های اختصاصی در زمینه بهسازی سنگ‌های قیمتی بوده است که اکنون در آستانه ثبت اختراع قرار دارد.

بهترین تراش‌ها در خاورمیانه متعلق به مشهد است

این تراشکار با سابقه با اشاره به ممنوع بودن ورود و خروج سنگ به عنوان دیگر چالش پیش روی این صنعت می‌گوید: با توجه به تعداد کم و پراکندگی معادن داخلی (سنگ‌های جواهری مانند یاقوت، همتیت، زمرد و...) و دشواری دسترسی به آن‌ها، چند سال پیش به هند رفتیم و سنگ‌های خام خوبی پیدا کردیم ولی برای انتقال به داخل کشور با مشکل مواجه شدیم؛ در حالی که اگر چنین ممنوعیتی نباشد، گذشته از آراوری مستقیم از طریق فروش سنگ‌های استان به کشورهای خلیج فارس (چون از سنگ‌های خراسانی استقبال می‌کنند)، دست کارگاه‌ها از نظر بن‌مایه کار پرمی‌شود و تراشکاری پیشرفت می‌کند. به این ترتیب اشتغال‌زایی و انگیزه ورود به این حرفه نیز بیشتر می‌شود. در غیر این صورت روز به روز شاهد افت صنعت تراشکاری خواهیم بود؛ چنانکه در دهه ۷۰، این محله حدود ۶۵۰ نگین تراش داشت ولی حالاً تعدادشان به پنجاه تا هم نمی‌رسد؛ در حالی که بهترین و باکیفیت‌ترین تراش‌ها در خاورمیانه متعلق به مشهد است.



کار خانوادگی موفق است، به شرط مهارت

یزدانی با اشاره به فعالیت سطحی برخی تازه‌واردان به صنعت تراشکاری سنگ می‌گوید: شناخت سنگ، ابزار و تجهیزات به عنوان سواد کار، مهم است و ما از همان ابتدا ریشه‌ای کار کردیم تا بر این رشته مسلط شدیم؛ هر چند زمان بر بود ولی ارزشش را داشت. اما حالا آموزش رسمی صرفاً شامل مباحث نظری است. در آموزش سنتی و شاگردی هم دیگر قوانین سابق برقرار نیست و معمولاً جوانان انتظار دارند سریع آموزش را تمام کنند و به درآمد برسند؛ در نتیجه شاهد کارهای سطحی و غیر حرفه‌ای هستیم.

او که هم‌زمان با تراشکاری و حرفه خانوادگی، کارهای دیگری را نیز تجربه کرده، معتقد است انسان در کار خانوادگی و کاری که به آن اشراف دارد، موفق‌تر است؛ «خانوادگی بودن کار، علاوه بر شیرینی‌ای که دارد، زمینه حمایتی ایجاد می‌کند؛ در چالش‌ها همه کنار هم پای کار هستیم و تجارب را بهتر و راحت‌تر به هم منتقل می‌کنیم. در محله هم با همکارانمان که اغلب در همین رشته مشغول به کارند، رفاقت و احساس مسئولیت داریم.»

شاهد ثمراتش هستیم، پیشنهاد می‌کنیم که دولت ضمن افزایش تعداد نمایشگاه‌های تخصصی داخلی، با ارائه سوبسید به تولیدکنندگان (نه به واسطه‌ها و فروشندگان)، زمینه حضور آن‌ها در نمایشگاه‌های بین‌المللی را فراهم کند تا هم تولیدات خود را معرفی کنند و هم با فناوری روز دنیا آشنا شوند و به تحقیق و توسعه بپردازند. در این زمینه، استانداری مهم‌ترین دستگاهی است که می‌تواند قدرتمندانه طرح‌های حمایتی و مالی داشته باشد و با برندسازی این صنعت، به توسعه استان هم کمک کند.

آقا غلامرضا ادامه می‌دهد: علاوه بر بهره‌مندی از حضور فعالان با سابقه این حرفه در آوری مسابقات و جشنواره‌ها، در زمینه آموزش نیز لازم است از حضور آنان استفاده شود تا آموزش‌ها کاربردی باشد و پیوند علم و صنعت بیشتر شود؛ به عنوان مثال دانشگاه فردوسی رشته کارشناسی ارشد گوهرشناسی دارد ولی صرفاً استادان کانی‌شناسی و زمین‌شناسی امکان تدریس در آن را دارند و امثال بنده که تحصیلات میان‌رشته‌ای داریم، از ارائه آموزش محروم هستیم.

یزدانی در پاسخ این پرسش که «با وجود این چالش‌ها می‌توانید دوام بیاورید؟»، آهی می‌کشد و می‌گوید: چاره‌ای جز دوام آوردن نداریم. سال‌ها خاک این کار را خورده‌ایم؛ کجا برویم؟ امید داریم بمانیم و این میراث خانوادگی را به نسل بعد بسپاریم.

این امید مآبی پشتوانه نیست و از راهکارهایی ناشی می‌شود که در صورت همراهی دولت، آینده روشنی را برای صنعت تراشکاری سنگ به ارمغان می‌آورد؛ «تولیدکنندگان مظلوم واقع شده‌اند و دیده نمی‌شوند. بیست سال در بازار بودم؛ کسی نیامد سراغ تولیدکننده را بگیرد و بپرسد این نگین‌ها از کجا آمده است. حتی در گزارش‌ها و برنامه‌های تلویزیونی هم از آن‌ها یاد نمی‌شود. دهه ۹۰ برنامه‌های «ایران من» و «شب شرقی» گزارشی از کارگاه و مغازه‌مان در بازار رضا تهیه کردند ولی موردی بود و آن طور که باید تأثیری نداشت؛ کسی نپرسید شما که حدود چهار دهه در این کار فعالیت دارید، با چه کمبودها و مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کنید. با توجه به تجربه موفقی که از یک بار حضورمان در نمایشگاه افغانستان داریم و بعد از ده پانزده سال همچنان

هیچ‌کس
سراغ
تولیدکننده
را نمی‌گیرد